



شماره تماس...



اینجانب می‌گذشت) چنین دارویی ندیده بودم حاوی قرص درشت و سبزرنگی بود. برچسب چندرنگ زیبایی داشت که بر قسمتی از آن سیاهه بالا بلندی از همه ویتامین‌های عالم، اسیدهای آمینه متعدد، مواد معدنی جورواجور و از همه جالب‌تر بخش عمده‌ای از گیاهان شبه قاره هند و چین و ماچین! نقش بسته بود.

جعبه دوم از اولی کوچک‌تر بود با اسمی که معنایش در حدود «قرص جوانی» بود و عنوان فرعی «داروی ضد پیری» را هم یک می‌کشید خبر داده بود در همان وسعت چند سانتی متری روی برچسب که: «چروک می‌زداید»، «شادابی می‌آورد» و خلاصه مفرح ذات است و مُمدِّ حیات، لابد. با جعبه سوم «پوکی استخوان» فراموش

بهانه دیدار نو شدن سال بود و آمدن بهار. در تمام مجالس این چینی از هر دری سخنی می‌رود، که رفت. در میانه گفتگو اما میزبان به یادش آمد که «بد نیست مشورتی دارویی» بکند. اعلام آمادگی شد. تا کمی بعد ایشان از کیسه‌ای دارو؟ (؟ علامت تشکیک ذاتی نویسنده به دلایلی است که عرض خواهد شد). چهار جعبه بزرگ و کوچک بیرون کشید و روی میز چید. - «می‌خواستم بپرسم اینا برای چی خوبه»

بزرگ‌ترین آن‌ها را برداشتم حجمی در حدود ۴۰۰-۵۰۰ سی‌سی داشت عینک مخصوص تعمق بر ریزنویس‌ها را بر چشم گذاشتم. جدید بود، نو بود، تا آن زمان (که سی و اندی سال از پس سرنهادن مدرسه داروسازی و داروساز شدن

به فاصله یکی دو هفته از دو نفر دیگر داستان‌هایی با همین مضمون شنیدم. کم‌کم از جهل مرکب درآمدم. معلوم شد که این‌ها به «داروهای ماهواره‌ای» معروف هستند.

افرادی - همه با عناوین دهان پرکن دکتر و استاد و غیره - با شمایی فریبنده، مشورت می‌دهند سوراخ دعا را یافته‌اند به کمک امواج الکترومغناطیسی؟ از مطب - دکور - ماهواره‌ای‌شان به تلفن خلاق دردمند جواب و با ارایه چند شماره تلفن همراه، راه تماس را هموار می‌کنند. چاق‌ها به مدد این معجزه باریک میان می‌شوند و در شعبده‌ای دیگر جوانان جویای عضلات گره خورده به مدد دارویی دیگر آقای آرنولد را نه به فرمانداری کالیفرنیا که به غلامی هم قبول نمی‌کنند. این‌ها چین از پیشانی می‌برند و چروک پای چشم را صاف می‌کنند. افسرده‌ها غم از یاد می‌برند. پیرها دیگر نمی‌گویند «جوانی کجایی که یادت بخیر». با شماره مورد نظر تماس که بگیرند جوانی از دست رفته عقب‌گرد می‌کند. ظاهراً غوغایی است رسانه‌ای و سخت‌پوچ و ضد علمی یا دست کم غیر علمی. اما ضریب تاثیر و نفوذش تا آنجا اوج گرفته که از قرار - و بنابر تخمین - چون اصلاً امکان محاسبه و احصاء وجود ندارد حدود نیمی از مبلغ ریالی داروهای رسمی، فروش دارند. اگر چنین باشد سخت نگران‌کننده است. چنین محصولاتی به دلیل اشکالاتی - که به بعضی از آن‌ها اشاره شد - بسیار نامطمئن و به احتمال زیاد خطرناکند. داروخانه‌ها به دلیل اشکال قانونی سراغ این داروهای نمی‌روند. آن‌ها هم چون

می‌شد سرشار از مواد عجیب و غریب که جز کلسیم از معجزات بقیه‌شان بی‌خبر بودم و سرانجام جعبه چهارم درد مفصل را مداوا می‌کرد به جنگ آرتروز می‌رفت. از این یکی هم گلوکوزامین را می‌شناختم ولی بقیه مواد آن منشاء گیاهی و دریایی داشت. طبیعتاً با جهلی که در مورد داروهای دریایی (صرفنظر از روغن کبد ماهی و امگا-۳) داشتم توقع سردرآوردن از این مجموعه هم، معقول نبود. میزبان منتظر فرمایشات گهربار حقیر و احتمالاً تایید خواص مندرج بر روی جعبه‌ها بود. کمی فکر کردم به نمک پسته‌ای که با آن پذیرایی شده بودم اندیشیدم. از قباحت نمک خوردن و ... نمکدان شکستن آگاه بودم. اما شکستم اول دو سه تا پسته دیگر و بعد نمکدان تمثیلی را. عرض کردم: تصور نمی‌کنم این‌ها دارو باشند و اگر حتی دارو باشند، مجاز نیستند، سازنده‌شان جعلی است امکان ندارد سازمان‌های دارویی کانادا یا آمریکا بر چنین آش درهم جوشی مهر تایید بزنند. این‌ها پروانه ثبت و ورود ندارند. و آخرسر اضافه کردم: احتمالاً سوغاتی از آب گذشته است؟ میزبان دلخور از این همه بدگویی سر تکان داد که: «نه یک روز صبح تلفن زدم - شماره تماس را از خانم همسایه گرفته بودم - مشکلات و دردهایم را به دکتری (؟) که پشت خط بود گفتم، روی قیمت توافق کردیم، عصر پیکی مخصوص دارو را تحویل داد و ۷۵ + ۳ هزار تومان گرفت.» «۷۵ هزار تومان پول داروها و سه تومان هم حق‌الزحمه پیک». خودش بود، تجارت الکترونیک هزاره سوم

با این در بسته روبرو شده‌اند، مثل آن «پری‌رو» تاب مستوری نداشته سر از روزن برآورده‌اند. مافیایی قدرتمند شبکه توزیع زیرزمینی آن‌ها را شکل داده است. سود عمده فروشی و خرده فروشی هم مفت چنگشان خدا برکت بدهد به پیک‌های موتورری رسمی و غیررسمی. بنده‌های خدا برای جوان کردن یک پیر دلشکسته و یک چاقی در حسرت لاغری چه ویراژها که نمی‌دهند و

جای نگرانی زیاد دارد. این‌ها، این داروها (-) بحث مکمل‌ها نیست، خوشبختانه ورود و ثبت و عرضه آن‌ها با حفظ و رعایت ضوابط قانونی، تسهیل شده (-) را که می‌سازد؟ کجا؟ از چه ماده اولیه‌ای؟ چه کسی کنترل می‌کند؟ نظارت با کیست؟ کجا تایید شده‌اند و ... شاید به دلیل ماهیت مخفی بودن [و قاچاق و زیرزمینی بودن یا بهتر بگوییم در هوا پراکنده بودن، روی صفحه تخت تلویزیونی (که از دیش ماهواره خوراک

تصویری می‌گیرد) نشسته، به حریم خانه‌ها نفوذ کرده‌اند] با این قسمت کاری نشود کرد حداقل در حیطه مسوئولیت پزشکان و داروسازان نیست اما همه این قوم یکصد هزار نفری جامعه پزشکی، آگاهی که می‌توانند بدهند، هشیار که می‌توانند بکنند، خطرات را گوشزد که می‌توانند بکنند. خوب همین کارها را بکنیم، همه مان حتی از رسانه ملی و روزنامه‌ها فرصت بخواهیم تا مصائب استفاده از چنین آشغال‌هایی را به «سمع و نظر عزیزان بیننده» و خواننده برسانیم. جوان عاشق بدن سازی ما و نیز خانواده‌اش باید آگاه شوند. این‌ها توان‌ساز نیستند اما توان‌سوز قطعاً می‌توانند باشند. ترک اعتیاد ماهواره‌ای کاری عبث است، لاغری با کمک ماهواره یک دروغ بزرگ است تماس با آن تلفن تماس، افتادن به دامی است که برایمان پهن کرده‌اند به هوش باشیم.

دکتر فرشاد روشن ضمیر

